



J.A.M
MONTHLY



ژباړه: دروېنا حې
ترغښی: زرفغښی
سټون: سټون



هفتم

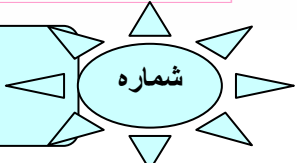
مطابق جنوری ۲۰۱۰

جدی سال ۱۳۸۸

جام

سال دوم

صفحه اول



شماره

آینده چغچران چه خواهد شد؟

دین محمد شکیب

درعوض کار کردن به مکتب روان کنند و به علت همین چالش های مالی واجتماعی است که سایه سیاه خشونت های فامیلی ، ازدواج های اجباری و ازدواج های قبل از وقت همچنان در جامعه وفامیل ها حاکمیت دارد، نه تنها کم نگردیده بلکه روبره تزیاید میباشد. وعده های داده شده دولت به خاطر ساختن بند برق ، بهبود اوضاع اقتصادی ، اجتماعی ، بازسازی و تعلیمی این ولایت از بدو حکومت موقتی وانتخابی تاکنون نه تنها عملی نگردیده بلکه مانند گذشته ها غوربازهم تقریبا در حال فراموشی قرار گرفته است و غورطی این مدت طولانی که کمک های بی حد و گزاف دالری کشورهای دنیادر افغانستان سراسر زیر شده است ، صاحب سرک پخته و بند برق نگردیدبا آنکه سه دریای خروشان بدون استفاده از این ولایت عبور مینماید. یگانه راه پائین آمدن قیمت ها و بهبود اوضاع اقتصادی واجتماعی غور فقط و فقط ساختن بند برق اساسی در بالای یکی از دریا های بزرگ غور و پخته شدن سرک غورالی هرات و از غور تا کابل میباشد در غیر آن ، درد فقر و بلندی قیمت ها همچنان بحالت خود باقی مانده و بدون برق برای دوالی پنج سال آینده زنده گی در غور از اثر ناپوشدن مواد سوخت و تخریب شدن محیط زیست که بسته ، جنگلات و گیاه آن توسط باشندگان این ولایت استفاده میگردد ناممکن خواهد شد.

ادامه در صفحه (سوم)

از آنجائیکه چشم امید مردم همواره بعد از سقوط رژیم طالبان و دولت انتقالی به طرف حکومت انتخابی ، نماینده گان منتخب مردم و جامعه جهانی دوخته شده بود تا به وضع نابه سامان شان توجه و مشکلات متعدد اقتصادی ، تعلیمی ، امنیتی واجتماعی آنها به تدریج کاهش یافته و از بین برود ، متاسفانه آن حد که لازم بود در راستای حل معضلات انسانی این مرزوبوم توجه صورت نگرفته و وعده های سپرده شده حکومت انتخابی و وکلای منتخب مردم در عمل پیاده نگردید ، کمافی السابق باشندگان این دیار در روی گلیم فقر ، بیکاری و محرومیت نشسته اند و از طرف دیگر نامنی ، نقض حقوق بشری ، فساد و ارتشا ، عدم بازسازی و بلند بودن قیمت های مواد خوراکی و سوخت در غور بیداد کرده و با گذشت زمان قوس صعودی خود را می پیماید چنانچه درین ولایت عقب مانده ، فقیر و دور افتاده یک کیلووات برق ۳۰۰ افغانی ، یکبار بته ۷۰۰ افغانی ، یک سیرچوب (۱۲۰) افغانی ، یک لیتر دیزل ۶۰ افغانی و یک کیلو گاز به ۷۰ افغانی به فروش رسانده میشود و کس به صدای مظلومیت این ملت فراموش شده گوش فرامیدهد زیرا گوش های همه طرف داران حقوق بشری ، جامعه جهانی و حکومت انتخابی یا کر شده و یا چشم های شان به خاطر دستگیری بینوایان و مستمندان جامعه ما دچار نابینای شده است.

حداکثر مردم غور که زیر خط فقر زنده گی مینمایند قادر به پرداخت قیمت مایحتاج زنده گی و مواد اولیه در همه فصول سال به این ارزش گزاف نیستند و طول سال را بارنج و عذاب که امکانات کافی اقتصادی رادراختیار ندارند سپری مینمایند و به همین سبب میباشد که خانواده ها حاضر نمیشاند فرزندان خود را



معلومات راجع به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان:

• چگونگی تاسیس و فعالیت کمیسیون:

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بتاريخ ۱۶ جوزای سال ۱۳۸۱ تاسیس شد، بر اساس: • توافقات بن (منعده ۱۵ قوس ۱۳۸۰ / ۵ دسمبر ۲۰۰۱)، بند ۶ مکلفیت های اداره موقت:

”... اداره موقت به کمک ملل متحد، یک اداره مستقل را تاسیس مینماید تا از وضعیت حقوق بشر در کشور نظارت نموده، و به شکایات حقوق بشری رسیده گی نماید. همچنان این اداره مستقل در زمینه نهادینه ساختن، انکشاف و حمایت حقوق بشر در سطح ملی با اداره موقت همکاری مینماید.“

• فرمان ۳۶۲ مورخ ۱۶ جوزای ۱۳۸۱ آقای کرزی رئیس اداره موقت:

”... فعالیت مستقلانه کمیسیون، ماموریت کاری کمیسیون در رابطه به انکشاف، حمایت، و نظارت وضعیت حقوق بشر در کشور، و همچنان راه اندازی مشوره ملی در رابطه به برنامه عدالت انتقالی در سطح کشور...“

• قطعنامه ۱۳۴/۴۸ مورخ ۲۰ دسمبر ۱۹۹۳ ملل متحد و یا اصول/اصولنامه پاریس:

• ماده ۵۸ قانون اساسی:

”دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تاسیس مینماید. (ادامه در صفحه چهارم)

گزیده اخبارها

- والی غور میگوید: به سران دسته های مسلح غیرمسؤل دعوت نامه فرستاده شد، تادست از سلاح برداشته و به زندگی آرام رو آرند.
- سرمای شدید زمستان قیمت مواد سوخت را به اوج خود رساند، در خانواده ها غوغا و در مردم لرزه ایجاد کرد.
- جلسه ای به اشتراک اعضای اشتراک کننده ولایت، مشاور وزارت امور خارجه امریکا و تیم بازسازی ولایتی غور تدویر یافته و مشاور وزارت امور خارجه امریکا در بدل به صفر رسیدن تریاک در غور، ساختن تعمیر لیسه سلطان رضیه غوری، ساختن سالون کنفرانس ولایت، اعمار یک باب کلینک صحی و خریداری ۱۲ عراده تراکتور را وعده داد.
- در شصت و یکمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر، و محو خشونت علیه زنان، تحت شعار خشونت علیه زنان جنایت است، و خانواده سالم تضمینی است برای جامعه سالم، تدویر یافت.

بنیاد جوانان و تحصیل کردگان غور در رابطه به مشکلات فرهنگی تشکیل جلسه داد. گزارشگر تیمور شاه احمدی

عواقب انتقاد ناسام

عثمانی

دین مقدس اسلام ، اصول آزادی بیان ، دموکراسی ، عدالت اجتماعی و حقوق بشری در هیچ جوامع لبرال و دموکرات اجازه نمیدهد یک انسان ولو مجرم هم باشد تحت نامهای انتقاد و غیره مورد توهین و تحقیر قرار بگیرد زیرا نفس اهانت و استهزا ، کرامت انسانی را خدشه دار و متضرر میسازد که در اصل میتواند از نظر حقوق بشری جرم پنداشته شود.

امروز در کشور ما بعد از سالها رنج و اختناق فضای نسبی آزادی بیان مساعد گردیده که متاسفانه در اکثر موارد درین راستا افراط و تندروری های تحت نام انتقاد صورت می پذیرد قسمیکه از طریق برخی رسانه ها و بخصوص توسط برنامه های بعضی تلویزیونها ی داخل کشور بسیاری از شخصیت های این سرزمین از سبب اندکترین اشتباه سیاسی ، اجتماعی و کاری مورد تمسخر و اهانت در محضر چشم ملیونها بیننده و شنونده قرار میگردند در حالیکه هیچ انسان ، در امور زنده گی اجتماعی عاری از اشتباه و خطانمی باشد که میتوان اشتباهات و خلاها را به جای اینکه مغرضانه و عقده مندانه که منجر به تصادم ، توهین و خشونت میگردد مطرح نمائیم در عوض به قسم چاره سازی و از راه های اخلاقی و مدارا میتوانیم اصلاح نمائیم و به گفته بزرگان (بعضی اوقات با آنکه معتقد هستیم انتقاد عمل نیک ، سازنده و مشروع است میتوان به جای بعضی انتقادها که ممکن پیامد خوب نداشته باشد ایجاب میکند با در نظر داشت اوضاع و منافع ملی چاره اندیشی نمائیم و یکدیگر را غرض رفع و ترمیم نواقص ، کاستی ها و اشتباهات یاری رسانیم).

ادامه در صفحه (دوم)

چرا انتقادهای توهین آمیز...؟

برخی از رسانه های تصویری، صوتی، چاپی و غیره در افغانستان به حد در قسمت افشاگری نواقص و اشتباهات افراد، مسوولین دولتی زیاد روی کرده اند که در عوض موثریت اجتماعی، بحران های بی اعتمادی، اختلافات قومی، منطوقی، زبانی و ملیتی در جامعه ایجاد گردیده است و همان قول معروف (به یک سیلی صدروی او گار میشود) عملادیده شده است. زیرا انتقادهای، ناسالم و عقده مندانه بوده که نه تنها خیر و صلاح اجتماعی و ملی نداشته بلکه تاثیرات سوونامیمنون خود را در بین مردم ثابت ساخته و فاصیله های عمیق و بزرگی را در بین ملت های به هم برادر ایجاد نموده است. بنام مصلحت ملی و اجتماعی ما از اینکه کشور تازه از بحران های گوناگون تباہ کن بیش از سه دهه نجات یافته و مسیر خویش را به طرف اخوت و تفاهم ملی می پیماید و یکبار دیگر این ملت تشنه به صلح و وحدت ملی آزادی بیان و دموکراسی را در آغوش گرفته و تجربه مینماید، میخواهد تا انتقاد ها و ابراز نظرها به شکل سالم و سازنده دور از تعصب و عقده گشای، بخاطر خیر و صلاح جامعه مطرح گردد تا در قبال خود بهبودی واقعی اوضاع کشور و جامعه را داشته باشد.

اماد بعضی موارد انتقادهای ناسام افراد ممالک بیرونی راجرتت بخشیده تا تحت این نام گستاخانه رئیس جمهور و شخصیت های ملی را در سطح جهانی و بین المللی مورد اهانت و بی احترامی قرار دهند، و این توهین مانند چوبی است که سر آن به رئیس جمهور و شخصیت های ملی و انجام آن بفرق این ملت اصابت مینماید. درست است که ما بد و توهین خود را در حق بزرگان خود روامیداریم اما بد و تحقیر بیگانگان را نباید در حق مردم خود به پذیریم.

کشورهای اخلاص گر و ضد حقوق انسانی و وحدت ملی این ملت که همواره منافع، عزت، آبادی و خوشبختی خود را در بدبختی، تخریب، تحقیر و ویرانی این سرزمین و مردم جستجو کرده اند، به حدی دورنگی، بی اعتمادی و شخصیت کشی را در بین مردم افغانستان توسط اردلی ها و نوکران حلقه بگوش خود ترویج و گسترش داده اند که اکنون عادی ترین آنها میتواند بدون کدام ترس، با عزت ترین و بلندرتبه ترین اشخاص این جامعه را تحقیر و توهین نماید. چنانچه توسط خود افغانها بر سر هر شخصیت ملی، جهادی، علمی، دینی، رئیس جمهور کشور، نماینده مردم، وزیر و غیره یکی از نامها و لقب های ذیل را (جنجنگ سالار، تروریست، القاعده، ناشائسته، فاسد، قاچاق چی مواد مخد، ضد حقوق بشر، ضد حقوق زن، غیره و غیره گذاشته اند و ما توسط رسانه های آزادمان خودمان هر روز این القاب را تکرار کرده و یکدیگر خود را توسط همین نامها محکوم و توهین میکنیم. جو فوضا کشور قسمی بی اعتماد، عقده مند و بی باور گردیده که این ملت بزرگ حتی خود را عاری از داشتن شخصیت ملی و مورد اعتماد فکر و احساس میکند.

به عقیده من، عقده گشای، تخریب، توهین و بدنام ساختن یکدیگر تحت نام آزادی بیان و انتقاد ناسالم نه تنها حربه برای متشنج ساختن کشور است بلکه بدترین نوع سیاست و کار فرهنگی است که خیانت بزرگ به کلمه مقدس آزادی بیان، انتقاد سالم، فعالیت مطبوعاتی، حقوق بشری، حقوق شهروندی و وحدت ملی تلقی میگردد.

دوست مسکالی

گوشی ره بگی جانا، مسکال، بیا مسکال
تأخیر مکن یکدم، فی الحال، بیا مسکال
بس کن تو پیامک را، بگذار سلامک را
خواهی که زمن گیری احوال، بیا مسکال
هر لحظه بیا مسکال، پیوسته بیا مسکال
بسیار بیا مسکال، نورمال، بیا مسکال
شب ها سر هر ساعت چند بار مزاحم شو
هنگام خبرها و سریال، بیا مسکال
از خانه و از بام و از حویلی و از دهلیز
از پنجره و تاق و دیوال، بیا مسکال
ای عاشق مسکالی، گشتی تو ز تنهایی
مانند شب عید پارسال، بیا مسکال
گر خانه شلوغه یا وقت تو کمه خیر است
بی کشمکش و زنگ و جنجال بیا مسکال
تیریک بود بر تو این مسلک و این عادت
تا یازده شب بریک منوال، بیا مسکال
گفتم که کریدیت کم کم به خلاصی رفت
گفتی که ندارد هیچ اشکال، بیا مسکال
خواستم که نتایج را اصلاح کنم امشب
کردی همه را یکسر اخلاص، بیا مسکال
رفتم به شکایت من بسته است در روشن
آخر به کجا باشد اقبال؟، بیا مسکال
ای کاش شبی من هم مانند «ویرانی ها»
راحت شوم از دستت گوجرال، بیا مسکال!
میزان ۱۳۸۸
فیروزکوه

ارسالی محمد ابراهیم آرین

PRT IN GHOR

گزارش ویژه تیم بازسازی ولایتی در غور

بشتر از یک ماه میشود که تیم بازسازی ولایتی تازه نفس جدیدا در شهر چغچران تقریر یافته است. در جریان تحویلهای به قوماندان جدید بازسازی ولایتی آقای دیگروال گدا یمناس مسیجوسکا سپرده شد. بعد از آن تیم بازسازی ولایتی جدید به خویش آغاز نمود. پولیس ملی افغانستان رابطه خوب باتیم های بازسازی ولایتی گذشته داشته و این یک استثنا نخواهد بود که آموزش پولس ملی توسط افسران پی آرتی ادامه دارد و همراهی خواهد کرد، برای فضای مصون در ولایت غور تیم بازسازی ولایتی توجه بخصوص خود را جهت حمایت از پولس ملی افغانستان و فراهم کردن زمینه آموزش و تجهیزات در امور کاری شان را دارد.

افسران پی آرتی نهایت مسروراند که توانای رسیدن به بعضی از واقعات مهم شهر را دارند مانند ساختار و بازسازی که معتقد به آن هستیم.

لیتوانیا و اتحادیه اروپا بودجه اعمار و بازسازی محکمه استیناف و فراهم نمودن زمینه آموزش برای کارمندان این سکتور را مساعد ساخته است. و این کمک خواهد کرد برای بدست آوردن یک نتیجه بهتر در سکتور عدلیه و کمک خواهد کرد جهت افزایش تلاش ها برای مبارزه علیه فساد و مطمئن ساختن مساوات برای همه.

PRT ارج میگذارد به مذهب، رسوم و عنعنات محلی. بدین لحاظ است که روابط گرم را با سکتور دینی حفظ نموده است. پی آرتی فراهم میسازد موادی راجعت بهبود وضعیت مساجد محلی از قبیل فرش، و بلندگوی و نیز همین اکنون بازسازی هفت مسجد در غور در حال تطبیق است.

ادامه در صفحه سوم

صدای مهربان تو

سارا رضایی

زن همسایه که تا حالا آرام در گوشه ای خانه اش نشسته و به دوختن گلدوزی اش مشغول بود و به قصه های غمگین او گوش می داد، سرش را بالا کرد و به مریم گفت: حالا گرم شدی؟ برو دخترکیم! مادرت را می شناسی که با من سرو صدا می کند.
مریم آهسته از جایش برخاست و به طرف که خوانده شده بود رفت.
بیا! این ظرفها را بشوی! آب گرم را هم آوردم. وقتی تمام شان کردی بعد حق داری به خانه بیایی. در این لحظه زن پیری که در گوشه ای به دیوار تکیه داده و این منظره را می دید، طاقت نیاورده گفت: شکیلا جان! دختر بی مادر را اینقدر اذیت نکن بگذار گرم بیاید. خیر است که مادر ندارد تو حالا به جایی مادرش هستی. این رفتار ها چه معنی دارد؟ پدرش مسافر است نمرده که یک روزی نیاید از تو چیزی را در مورد او نپرسد.
تو گپ نزن خاله! به تو ربط ندارد. من اگر این کار هارا می کنم به خوبی اوست فردا خانه شوهر برود چه کسی ناز او را می خرد.
پیر زن هیچ نگفت و فقط سرش را تکان داد.
مریم احساس کرد که سینه اش به شدت می سوزد و گلویش نیز درد شدیدی پیدا کرده است. اما هر چه بود باید کاری را که به او سپرده شده بود، انجام می داد. ادامه در صفحه سوم

در این لحظه زن همسایه از پشت شیشه ای پنجره ای خانه اش، با اشاره ای او را صدا کرد. مریم گامهایی کوچکش را به آنسو برداشت. خانم همسایه دستان نحیف و یخ زده ای او را گرفته پشت بخاری نشستاند. او با گفتن تشکری لحظاتی را در آن اتاق گذراند و کم کم بدن یخ زده اش داشت جان می گرفت. زن همسایه پرسید: مریم جان چرا این شکیلا گگ با تو اینطور رویه دارد؟ کوشش کن که دلش را بدست بیاوری تا کمتر به تو ظلم کند!
مریم در حالیکه عمیقاً به دستان تکیده اش منگرسست گفت: خاله جان! من که حالا کلانتر شدم. وقتی کوچک بودم؛ نیز همین وضع را می کشیدم. یادم است که در یکی از زمستان ها وقتی مواد سوختی جمع می کردم آنقدر مرا یخ کرده بود که داکتر نیاز شد تا مرا از حالت کوما نجات بدهد. از این قسم خاطرات زیاد در زندگی من اتفاق افتاده است که نمی شود همه را گفت. بعد ابروان پریشانش را بالا انداخت و گفت: حالا کلانتر شدم و مقاومتم زیادتر شده است.
دوباره همان فریاد!!
کجاستی مریم؟ دهه کدام گوری گم شدی؟ بیا که کارت دارم!

مریم سالها درد بی مادری را در قلب کوچکش تحمل می کرد و رنج های فروانی را تا کنون کشیده بود. یک روزی که خسته و یخ زده از بیرون با بوجی کلانی که حاوی مواد کثیف سوختاندنی بود، در بالایی سرش قرار داده به طرف خانه آمد به امید اینکه در منزلش رسیده گرم می آید. سوز سرما از هر سو می وزید... چند بار برایت گفتم دختر کثیف! که دستانت را درست بشوی!!
این فریاد زن لاغر اندامی بود که با چشمان از حدیقه بیرون به مریم میدید.
مریم گفت: مادر جان دستانم را یخ کرده نمی توانم محکم محکم بشویم. کثافات را که جمع می کنم و به بوجی می اندازم همه یخ زده اند. من هم که دستکش ندارم. با دستانم پلاستیک و قوطی های خالی را از زمین جمع می کنم.
چوب باش! به من مادر هم نگو! مادرت وقت زیر خاک خوابیده است و چپ چپ نگاههای سنگینی خود را بر سر تا قدم مریم انداخت و بعد صورتش را به طرفی دور داده گفت: عجب بدی کردم که گرفتار این یتیم شدم. ای کاش زمانی که مادرت سر زایت مرد؛ تو هم می مردی و به جایش نمی ماندی.
شکیلا این را گفت و دستانش را از کمرش رها کرده و به طرفی خانه ای گرم رفت که از حاصل زحمت مریم گرم شده بود. لبان نازک مریم در اثر سرما کبود شده و تفت کمرنگی از دهن و دماقش بیرون می آمد. آهسته نشست و با آب آفتابه ای که در کنار دستش قرار داشت و تکه های ریز یخی که در بین آب آن شنا می کرد، دستانش را می شست. لرز شدیدی ناشی از سرما به زیر پیراهن نازک نارنجی رنگش دمیده، تمام بدنش را تکان می داد و پوست سینه اش که از یخن بازش مشخص بود تغییر رنگ داده سرخ شده بود.

آینده چغچران چه ...؟

با این حالت نابه سامان توجه و کنترل مسولین وارگان های ذیربط دولتی جهت حل پرابلم های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی مردم واقدامات آنها درنظارت وجلوگیری قیمت های موادخوراکه وموادسوخت وهمچنان درساختن تاسیسات، حیاتی ومبرم خیلی ضعیف ویادربرخی مواردوجودندارد .

سیمای غبارآلودونابه سامان کنونی شهرچغچران نظرهانسان بابینش وبادرک رابه محض ورودمتوجه کمی ها، کاستی ها وناهنجاری خودمی سازد، نقشه شهروکوچه این ولایت بربنیاد سلیقه های شخصی مسولین بدون درنظرگرفتن آینده ودورنمای این ولایت طرح وساخته شده است که کم به نقشه معیاری، استندرد وانجینری مطابقت داردزیرانه سیستم فاضیلاب که رول عمده درمحیط زیست، صحت محیطی وحفظ الصحوی شهردارددرنظرگرفته شده، نه ساحه سبزدرآن وجوددارد ونه هم محل پارک، محل شفاخانه ومسجد درآن بخاطرآینده وجوددارد زیراکه هرکس بنوبه خود روی معاملات بی بنیاد بیرحمانه وغیرمسولانه به توزیع محلات عام المنفعه مبادرت ورزیده است درحالیکه این اقدامات ناسنجیده خطربرزرگ برای آینده این شهر ونسل های آینده این شهروندان تلقی میگردد که زندگی شان درصورت افزایش نفوس حد اقل به دوتاسه لک نفوس به چالش های عمده مواجه خواهد گردید.

ایکاش میدان هوای دریکی ازنقاط دیگر اطراف شهر چغچران درفاصله ۵تا۱۰کیلومتری ساخته وپخته میشد ومحل کنونی میدان هوای که جای مناسب ازنظرموقعیت برای ساختن پوهنتون که درآینده هاممکن بود ریزرف میشدویا اینکه تعمیرمکتب وشهرک تجارته ویاشهرک رهائشی مجلل که به زیبای وانکشاف شهروول عمده داشت ساخته میشد ومیدان هوای درهمین جا بعد ازده سال ضررآن نسبت به موثریت آن مضاعف خواهد شد زیرا ازیک طرف انکشاف شهر را ازلحاظ ساختن بلندمنزلها که درمسیرآن قرارمگیرند مانع شده وازطرف دیگر درصورت ارتقا وتراکم نفوس وزیادشدن پروازها، درروزحد اقل پنج تاده پروازدرحالیکه مکاتب وشفاخانه ولایتی درمسیر پروازطیارات قراردارد تاثیر نادرست روانی رانسبت به مردم عام به شاگردان ومریضان واردساخته ومزاحمت بزرگی اجتماعی را ایجادخواهد کرد.

مشکل دیگر موجودیت سرک های نامنظم وغیراستندردمیباشد که اگر درین موردتجدیدنظرودقت لازم صورت نگیرد د باآنکه همین الان بودوباش درآن مشکل گردیده وهرروز حادثات ترافیکی رخ میدهد، مطمئنا بعدازپنج سال با همین یک پایه پل واقع بالای دریای هریرودکه عرض آن با سرک که قراراست اسفالت گردد موازی نمی باشد وعبوومرورعابرین وسایل نیزازبالای آن میباشد گشت وگذارناممکن خواهد شد وبه همین ترتیب که اطراف این پل دیوارگردیده است اگر تدابیر دیگری مانند ساختن پل جداگانه درنظرگرفته نشود ازلحاظ آب خیزی وطغیان دریای هریرود درجریان بهارخطر ات زیادی متوجه این یکه پل خواهد بود وبدون ساختن پل دیگر درکنارپل کلان کنونی وپل کندیوال اهمیت سرک اسفالت به مرورزمان خدشه دارشده و زیر سوال خواهد رفت که عواقب آن بد خواهدبود.

جمع آوری موترهای بی اسناد . ضربه اقتصادی به مردم نخواهد بود؟

محمی الدین سروش

باتاسف باید گفت که همواره تحت نام های مختلف قبل ازهمه ضربه اقتصادی، جانی، اجتماعی وسیاسی را مردم بی دفاع این ولایت متحمل شده وبرعکس فائیده مالی وسیاسی به جیب دیگران ریخته میشودبه عنوان مثال درجریان جهاد ومبارزه باکمونیسم وتروریزم این ملت قربانی های جانی ومالی دیده ولی سودسیاسی، مادی واجتماعی را دیگران بردند .

موضوع جمع آوری موترهای بی اسناد اگر درپلان بود باید ازطرف همین ارگانهای که اکنون درمقابل وسایل بی اسناد مبارزه میکنند نیز پلان سنجیده به خاطر جلوگیری وتجارت این موترها وجودمیداشت وحد اقل یک ویا دوعراده را درحین وارد شدن به شهر چغچران همراه با تجاران آن ضبط وقیدمینمودند.

متاسفانه هیچ اقدامی ازطرف ارگانهای مبارزباوسایل بی اسناد که روزانه صد ها عراده موتر بدون پرسش توسط تجاران ولایت های همجواربه قصد فروش به این ولایت آورده میشد صورت نگرفت . اکنون که هرکس فائیده را ازاین تجارت تریاک گونه باهمکاری بعضی ارگانها بدست آوردند واین وسایل غیرمجازبه بالای مردم خوش باور وکم اقتصاد این ولایت بفروش رسانده شد درین حالت است که ارگانهای ذیربط تازه ازخواب گران بیدارشده و قانون را به بالای این مردم تطبیق وموتر شان را ضبط مینماید، کس پرسان نمیکند کاکا جان! چرا قانون برسرو وسایل دولتی که بیش ازپنجا فیصد آنها اسناد ندارند ودست افغانستان نمیباشند تطبیق نمیکردد؟ چرا وسایل بی اسناد مربوطین پولس وامنیت ملی جمع آوری، ضبط ونابودنمیگردد تا عبرت باشد برای مردم عادی ؟ یالینکه قانون دربالای مردم بی دفاع وبی واسطه که نان خود را به قیمت این موتر هاداده اند تا توسط آن ازطریق کرایه کشی لقمه نان پیداکنند عملی میگردد ؟ بهرحال خداکنند این مبارزه درحالیکه اقدام خوب و قانونی است صرف دربالای مردم مظلوم تطبیق نشده ویالینکه وسیله برای سواستقاده بعضی ها قرارنگیردوهمچنان راه حل معقول برای این عمل انجام شده جستجوگردد. نه اینکه مانند جریان مبارزه باموادمخدر، قاچاقچیجان معروف وملی وزورمندان که خروارها تریاک را قاچاق میکردند، بدون دستگیری ازخاک غورعبورمینمودند وتجارت تریاک را به همکاری بعضی افراد ذیصلاح دولتی انجام میدادند. ولی اشخاص غریب وبی دفاع که بخاطر پیداکردن لقمه نان چند کیلوتریاک محدود را دربالای موترسایکل خود ازیک قریه به قریه دیگرویازین ولسوالی به ولسوالی دیگر انتقال میداد، به قسم بی رحمانه باموالش دستگیر، خودش زندانی ومالش یکمقدارحریق ومقداردیگر به یغمابرده میشد . امید جریان مبارزه باوسایل بی اسناد بخاطر تطبیق قانون باشد وبرهمگان یکسان تطبیق گردد واول واردکننده گان وتجاران مورد پیگرد قانونی قرارگیرندوبعد مشتریان .

صدای مهربان تو...

پیرزن به تعقیب شکلیا به خانه رفت و صدایی بگو مگوهایشان به گوش مریم می رسید که در مورد وی بین مادر کلان و مابندرش جنجالهای ایجاد شده و حتی بحث شان به مشاجره کشیده شده است.

مریم از وضع که جریان داشت اصلاً راضی به نظر نمی رسید ظرفها را باعجله شست و به دهلیز بین صندقی جابجا کرد. نزدیک چاشت شده بود اما از غذایی چاشت هیچ خبری نبود. مریم که می خواست دیگر شاهد جار و جنجالهای که به خاطر او پیش آمده نباشد تصمیم گرفت که تا نزدیک های شب به بیرون رفته و بوجی دیگری از کتافات سوختاندنی را جمع آوری کند. چادری بافتگی اش را که از هر دو شانه اش آویزان بود، دور و سرش بپچاند و بوجی را جمع کرده زیر بغلش جا داد و سرش را از دروازه خانه پیش کرد و آهسته گفت: مادر جان ظرفها را شستم می خواهم پشت کاغذ و پلاستیک بروم! شکلیا فریاد زد: برو گمشو!! که به خاطر توگگ این همه جنگ و جدال راه افتاده است.

مریم سرش را با احتیاط بیرون کشید و به سوی کوچه قدم گذاشت.

طبق معمول به دکان های خوراکی فروشی و همبرگر فروشی که قوطی های خالی و تکه های کاغذ کارتن را بیرون می انداخت، سر زده و هر چیزی سوزانده را در بوجی خالی اش جا می نمود. به همین شکل قدم زنان به دکان های بعدی رفته تا دل بوجی را تا آخر پر سازد. در این لحظه مغازه ای که حدوداً در گوشه ای از جاده قرار داشت، به آنسو رفت پرده ای سنگینی را که صاحب مغازه بالایی دروازه ای دکان شان آویزان کرده بود، کنار زده مرد جوان و چاقی را دید که پشت ویترین های لوازم خوراکی نشسته و منتظر مشتریان خود می باشد. مریم با گفتن سلام و کمی مکث پرسید: کاکا جان ازین قوطی های خالی در مغازه ندارید؟

مرد لحظه ای به چشمان مریم نگرست، کمی لبخند زده گفت: چرا ما کاغذ زیاد داریم مانده بودیم که کجا کنیم که تو آمدی اما زیاد است باید بیایی اینجا و همه این ها را در بوجی ات جا کنی. مریم جایی را که آن مرد نشان میداد رفت تا کاغذ ها و کارتن هارا از آنجا جمع آوری کند . پیش خود فکر می کرد که اگر همه در این بوجی جا نشود بقیه اش را کجا جمع کند و چطور ببرد.

دست مرد او را به سوی اتاکی که انبار خانه به حساب می آمد، رهنمایی می کرد. مریم داخل انبار خانه شده و در آنجا فضایی خالی از هر گونه کاتن و یا کاغذی را دید می خواست که برگردد تا بگوید؛ در این جا کدام کاغذ و یا کارتن به چشم نمی خورد که دستان زمختی آن مرد دهنش را بست و او را به سویی از گوشه اتاکی کشاند. و گفت: صدایت را ... بله او دیگر صدایش را نتوانست بیرون کند و از وحشت در کنجی افتاد و ... بعد از لحظاتی صدایی مشتری به گوش مرد دکاندار رسید که می پرسید: کسی در این مغازه نیست؟ مغازه دار با علامت که ساکت باش مریم را ترک کرد و خودش دروازه را قفل نموده به داخل مغازه اش رفت. مریم از ترس و وحشت در گوشه ای افتاده جیکش در نمی آمد و مانده بود که با لباس خونین خود چطور این مغازه را ترک کند.

به ناچار خودش را جمع جور کرده و آهسته رفت تا دروازه را باز کند و بیرون برود. اما دروازه باز شده مرد دیگر داخل شد که جوان تر از مرد قبلی به نظر می رسید. مریم وحشت زده به زاری افتاد گفت: کاکا جان مرا بگذار تا بروم؛ در خانه مابندر دارم، اگر حالا نروم مرا آزار می دهد. مرد با لبخند شیطانی گونه که بر لب داشت گفت: غم نخور! تو را از دست مابندر ت خلاص می کنیم بعد از این تو با ما زندگی می کنی این را گفت و کم کم به او نزدیک شد...

شکلیا تا شب منتظر بود که مریم چه وقت می آید اما انتظارش بیهوده بود و از مریم هیچ خبری نشد. مرد پیر و خسته از راه رسید که چند عدد نانی با یک کفشی را که برای مریم وعده شده بود و به نظر می رسید که از کهنه لیلای خرید شده باشد، بدست خود داشت. شکلیا با هنر خاصی با چشمان پر اشک به طرف پیر مرد رفت و گفت: مریم نیامده صبح رفته تا حالی خبری از او در دست نیست. مرد پیر نگاهی به پیر زن انداخت و گفت: زن! این عروس چه می گوید؟ مریم کجاست؟ حالا ساعت نه شب است او دختر نو جوان در این وقت شب کجاست؟

پیر زن با ناله ای خاصی که از ته دل سوخته اش بر می خاست گفت: من با شکلیا در این مورد زیاد صحبت کردم که او را پشت مواد سوختی نفرست. دیگر کلان شده است. به گوشش نرفت که نرفت.

نان و کفش از دست پیرمرد به زمین افتاد و آهسته گام های خسته اش را به طرف دروازه ای بیرونی برداشت تا نواسه اش را در دل تاریکی شب در جاده های خلوت که یک انسان به چشم نمی خورد جستجو کند.

اما دیگر از او خبری بدست نیآورد.

PRT in Ghor گزارش ویژه تیم بازسازی ولایتی ...

یقیناً معارف یکی از پایه های اصلی ساختاریک آینده درخشان است. پی آر تی توجه قابل ملاحظه به سکتور معارف دارد ملاقات ها وتبادل معلومات دراین ساحه ازممانیکه پی آر تی فعالیت ها ی خودرادراین ولایت آغازنموده است ادامه دارد. خیمه که یکی از ضروریات مکتب است برای مکاتب غورفراهم گردیده است . پی آر تی همچنان مبصر وضعیت زنده گی اجتماع ومساعدتهای بشردوستانه برای مردم مستحق زندانیان واطفال یتیم خانه (دارالایتم) بوده وکمک های خودرا منظم توزیع نموده تا اینکه حمایتی باشد برای قشر فقیر جامعه .به همین سلسله بیست وپنج پروژه درجریان

یک ونیم ماه درولایت غور

پی آر تی افتخاردارد که ازنزدیک بامقامات محلی برای انکشاف قابل ملاحظه وتحمل درولایت غور کارمیکند پی آر تی نهایت خوشحال است

ازمردم که ازفعالیت آنها حمایت میکنند.

باهم میتوانیم یک فضای زیبا رابرای خودواطفال خودبسازیم درافغانستان وولایت غور. تشکر تیم بازسازی ولایتی غور

تازه های صحت

زنان حامله (باردار) تلفن همراه خود را خاموش کنند

یک متخصص رادیولوژی با بیان این که امواج موبایل بیشترین آسیب را به مادران باردار و کودکان می‌رساند، تصریح کرد: آنچه تاکنون مشخص شده این امواج بی ضرر نیستند و در سلولهای در حال رشد مثل جنین بسیار اثر گذار بوده و خطرناک هستند .

امواج موبایل از نوع الکترومغناطیس هستند که بصورت طبیعی در طبیعت و یا بصورت مصنوعی توسط انسانها ساخته می‌شوند .

وی ضمن تقسیم بندی و تنوع امواج به امواج خورشید، لوازم الکترونیکی بی سیم، مخابرات، اشعه X، اشعه مایکروفر و موبایل افزود: این امواج بر حسب فرکانس و طول موج خصوصیات خاص را دارا بوده و بر سلامتی انسان تاثیراتی دارند .

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی یزد عنوان کرد: امواج موبایل بالای ۹۰۰ مگاهرتز است که بررسی‌های بسیاری نشان داده‌اند که مضراتی برای سلامتی انسان دارند ولی هیچ کدام به اثبات نرسیده است و همچنان در خصوص مضرات آن تحقیقات گسترده ای در حال انجام است .

دکتر نفیسی با بیان اینکه این امواج بیشترین ضرر را برای مادران باردار و کودکان می‌تواند داشته باشد، تصریح کرد: آنچه تاکنون مشخص شده آن است که این امواج بی ضرر نیستند و در سلولهای در حال رشد مثل جنین بسیار اثر گذاشته و خطرناک هستند .

وی افزود: امواج موبایل و سایر امواج در سلولهایی که در حال تقسیم هستند تاثیر گذاشته و DNA بیمار را تغییر می‌دهند و در نتیجه منجر به انتقال ژن به نسل‌های بعدی می‌شود که باید گفت هیچ کدام از این نظریه‌ها به اثبات نرسیده است .

دکتر نفیسی توصیه کرد: کودکان و مادران باردار حتی الامکان از موبایل کمتر استفاده کنند و توصیه می‌شود که در فاصله یک متری از بدن قرار گیرد .

وی با بیان این که بهتر است زنان باردار در مواقع غیر ضروری تلفن همراه خود را خاموش کنند، افزود: زیرا تا زمانی که موبایل روشن است و حتی فرد صحبت نمی‌کند امواج از خود ساطع می‌نماید .

وی همچنین تاکید کرد: بهتر است در فضای آزاد از تلفن همراه استفاده شود، در مکانهایی مانند داخل ماشین که اطراف آن دارای فلز است نباید از تلفن همراه استفاده کرد چرا که مضرات آن تشدید می‌شود .

این متخصص رادیولوژیست در پایان توصیه کرد: بهتر است افراد از هندزفری که دارای سیم‌های بلندی است استفاده کنند تا زیان کمتری برای آنها داشته باشد

تهیه کننده عثمانی

معلومات راجع به کمیسیون مستقل حقوق بشر...

هر شخص میتواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون مراجعه نماید. کمیسیون میتواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید.

بخشهای کاری (پروگرامی)

■ بخش تعلیمات حقوق بشر (بخش تعلیمات با تدویر کارگاه های آموزشی، جلسات و تدویر میزگرد باخاطر آگاهی مردم از حقوق حقه ی شان فعالیت دارند)

■ بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان (بخش زنان با در نظر داشت احکام اسلامی وقوانین نافذ کشور با تدویر کارگاه های آموزشی بخاطر بلند بردن سطح آگاهی زنان، دفاع و حمایت از حقوق مشروع که مطابق به احکام اسلامی باشند فعالیت می کنند.

■ بخش حمایت و انکشاف حقوق اطفال (در رابطه با کاهش مجازات ها، کاهش کار شاقه بالایی اطفال، نظارت از مراکز اصلاح و تربیت اطفال، نظارت از دارالایتم ها بخاطر بهبود بخشیدن وضع معیشتی اطفال و با تدویر کارگاه های آموزشی درخصوص بلند بردن سطح آگاهی اقدار مختلف از حقوق اطفال فعالیت دارند.

■ بخش حمایت و انکشاف حقوق معلولین (بلند بردن سطح آگاهی مردم از حقوق معلولین و حمایت درخصوص وضعیت معیشتی معلولین و گزارش به دوائر ها از وضعیت زندگی معلولین، با همکاری اداره شهدا و معلولین مساعدت ساختن زمینه کاری برای معلولین .

■ بخش نظارت و بررسی از تخطی های حقوق بشری یکی از بخشهای کلیدی کمیسیون مستقل حقوق بشر می باشد که در راستای دفاع از حقوق مردم در مقابل زورمندان، نیروهای دولتی خودسرومخلف از قانون مانند پولیس، جلوگیری از خشونت‌های خانوادگی، بازتاب نارسایی های دولتی و اقدامات ضدبشری از هر شخص و نهادی که سرزند، به مرکز پیگیری دوسیه و شکایت هر مراجعه کننده ای به این بخش در نهادهای مربوطه و اگر لازم باشد در مرکز .

■ بخش عدالت انتقالی (عدالت انتقالی برای التیام بخشیدن به زخم های قربانیان و متضررین پروسه مستند سازی و حقیقت یابی را انجام میدهند جمع آوری اسناد و مدارک قربانیان، متضررین دوران جنگ از سال ۱۳۵۷ الی سال ۱۳۸۱ و ارائه گزارش به ریاست جمهور کشور فعالیت دارند.

خلاصه ای از اعلامیه جهانی حقوق بشر

۱۰. همه آزاد به دنیا می آیند و باید با آنها به یک شیوه رفتار شود.
۲۰. علی رغم تفاوت ها مثلا در رنگ پوست، جنس، دین و زبان، همه برابر هستند.
۳۰. همه حق زندگی، آزادی و ایمنی دارند.
۴۰. احدی را نمیتوان مورد شکنجه و یا رفتار ظالمانه قرار داد،
۵۰. کسی حق ندارد تا به شما صدمه برساند یا شما را شکنجه دهد.
۶۰. همه حق دارند تا قانون با آنها رفتار برابر داشته باشد.
۷۰. قانون برای همه یکسان است و باید به یک شیوه بر همه تطبیق گردد.
۸۰. اگر حقوق کسی مورد احترام قرار نگیرد، او حق دارد تا خواهان مساعدت و حمایت قانونی گردد.
۹۰. کسی حق ندارد تا شما را خود سرانه زندانی کند یا شما را از کشورتان اخراج کند.
۱۰۰. همه حق دسترسی به محاکم صالحه و محاکمه عادلانه و علنی را دارند.
۱۱۰. الی اثبات تقصیر، همه حق دارند بی گناه شمرده شوند.
۱۲۰. اگر فردی سعی کند به فرد دیگری صدمه برساند، او حق دارد خواهان حمایت قانونی گردد، اما کسی نمی تواند خودسرانه وارد خانه شما شود، نامه های شما را باز کند یا بدون حکم قانون مزاحم شما یا خانواده تان شود.
۱۳۰. همه حق دارند تا به میل خود مسافرت کنند.
۱۴۰. همه حق دارند به یک کشور دیگر بروند و در صورت آزار یا تهدید، خواهان حمایت شوند.
۱۵۰. همه حق دارند که دارای تابعیت باشند، هیچ کسی را نمیتوان از حق تابعیت یا از تغییر تابعیت محروم کرد...

ادامه در شماره بعدی

شهر وندان عزیز ا

- ❖ مقالات چاپ شده فقط نظریات نویسنده گان است نه ازجام
- ❖ ماهنامه جام درویرایش خودرا محق میدانند.
- ❖ مطالب ارسال شده مسترد نمیگردد.
- ❖ نظریات و پیشنهادات سازنده شما راه کشای راه ما ست .
- ❖ از همکاران قلمی که مطالب خودرا به ما ارسال کرده اند سپاسگذاریم (وزره ما قنارم جها)

مدیر مسئول: حامد الله دادفر ۰۷۹۷۰۳۱۵۱۶ dadfar@gmail.com--

سردبیر: گل احمد عثمانی 0797026508--osmany786@gmail.com

معاون سردبیر: برهان الدین علوی

ویراستار: فضل احمد امینی

گزارشگران: تیمور شاه احمدی (۰۷۹۷۱۸۵۰۶۹) و گل آقا احمدی

طرح: خان محمد سیلاب

هیات تحریر: استاد فایق عبدالستار سنجر، استاد محبوبی، محمد ناصر انوری و عطا محمد محمدی

تیراژ: ۳۰۰۰

آدرس دفتر: ولایت غور مرکز چغچران